

## مؤلفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام‌علی(ع)<sup>۱</sup>

سیدعلی فاطمی<sup>۲</sup>

همکار علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۵

### چکیده

امروزه توجه به حقوق شهروندان از زوایای مختلف، محل توجه بسیاری از اندیشمندان، دولتمردان و محافل جهانی است. تحقق این امر در اندیشه و سیره عملی امام‌علی(ع) به‌عنوان آموزه‌های اصیل اندیشه اسلامی، از اهداف و خط‌مشی‌های اصلی حکومت آن حضرت، و در راستای احترام به شخصیت انسان و «کرامت انسانی» بوده است. اقتضای کرامت انسانی، حقوق و تکالیفی را برای نظام سیاسی و شهروندان به همراه دارد، زیرا حقوقی که ایشان برای شهروند در نظر می‌گیرند، «انسان» محور بوده و از مسیر جامعه و شهر، پی‌گرفتنی است. از این منظر، فرد با قرارگیری در جایگاه واقعی خود در جامعه می‌تواند در مسیر تکامل و تعالی دنیوی و بالطبع اخروی، حرکت کند. برای فهم حقوق شهروندی از دیدگاه امام‌علی(ع)، نیازمند پاسخ به چستی و رسیدن به تعریفی منسجم از حقوق شهروندی هستیم. مقاله حاضر بر مبنای سیره نظری و عملی امام‌علی(ع)، به تبیین مؤلفه‌های حقوق شهروندی می‌پردازد و می‌کوشد با تعمق در منابع دینی، برداشتی متناسب با فهم تاریخی و استنباط‌های برگرفته از آیات و روایات ارائه دهد. روش تحقیق در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که براساس معیار هویت انسانی، همه شهروندان فارغ از هر نوع ملاکی از جمله نژاد، رنگ، مذهب، موقعیت و جایگاه، از مجموعه‌ای از حقوق بنیادین و راهبردی شامل آزادی، عدالت، برابری، تقدم اکثریت بر اقلیت و ... برخوردار می‌شوند.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق شهروندی، اندیشه علوی، نظام سیاسی، شهروندان، اندیشه سیاسی، عدالت.

---

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «حقوق شهروندی در نگرش و روش امام‌علی(ع) و کاربرد آن در جهان امروز» است.

2. A\_fatemi@iscs.ac.ir

امروزه توجه به حقوق شهروندان از زوایای مختلف، مطمح نظر اندیشمندان و دولتمردان و محافل جهانی است. تحقق این امر در سیر تاریخی خود با اندیشه‌های متفاوتی ظهور یافته که جملگی در پی تأمین حقوق مردم در ابعاد مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی‌شان بوده‌اند. در نگاه شیعی، مبانی حقوق شهروندی در اندیشه و الگوی عملی امام علی (ع) به عنوان آموزه‌های اصیل اندیشه اسلامی، پاسخ‌گوی نیازهای حال و آینده خواهد بود.

از اهداف و خط‌مشی‌های اصلی حکومت امام علی (ع)، احترام به شخصیت انسان و به طور کلی «کرامت انسانی» است. اقتضای کرامت انسانی، حقوق و تکالیفی را برای نظام سیاسی و شهروندان به بار می‌آورد؛ زیرا حقوقی که امام علی (ع) برای شهروند در نظر می‌گیرد «انسان» محور بوده و از مسیر جامعه و شهر پی‌گرفتنی است. فرد با قرارگرفتن در جایگاه واقعی خود در جامعه است که می‌تواند در جهت تکامل و تعالی دنیوی و بالطبع اخروی، حرکت کند. برای فهم حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع)، پاسخ به چیستی و رسیدن به تعریفی منسجم از حقوق شهروندی، ضروری است.

دغدغه اصلی مقاله حاضر، پرداختن به مؤلفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع) در دوران قبل و بعد از قبول حکومت توسط ایشان است.

## واژه‌شناسی و تعاریف

### مفهوم حق و حقوق

حق از واژه‌های سهل‌ممتنع است. واژه‌ای که ازسویی، هر کسی آن را به کار می‌برد و به اجمال معنای آن را نیز درمی‌یابد و ازسوی دیگر، تعریف آن به غایت دشوار است. برای حق معانی متعددی ذکر کرده‌اند. حق واژه‌ای عربی است که «در معنای لغوی به ثبوت، ثابت، موافقت و مطابقت استعمال می‌شود» (یثربی قمی، ۱۳۷۴: ۱۱۵). راغب اصل حق را به معنی «مطابقت و موافقت» نیز آورده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۳۲). همانند این تعبیر در منابع دیگر نیز آمده است. در مجموع، در معنای لغوی، هر چیزی را که دارای نحوه‌ای ثبوت و تقرر است می‌توان حق دانست، اعم از آنکه ثبوت آن حقیقی و واقعی باشد، مانند خداوند، زندگی، مرگ و آخرت، یا اعتباری باشد که از این نوع مصادیق به حق انتخاب، حق همسایه، حق دشمن



می‌توان اشاره کرد.

برخلاف اشتراک نظر درباره معنای لغوی، درخصوص معنای اصطلاحی حق در میان حقوق‌دانان و فقیهان و فیلسوفان سیاسی دیدگاه‌های گوناگونی به چشم می‌خورد. مراد از حق در اصطلاح حقوقی، حق توانایی است که نظام حقوقی برای شخص درمقابل شخص دیگر قائل است (یثربی قمی، ۱۳۷۴: ۲). از منظر حقوقی، حق امری اعتباری است که صاحب حق، به موجب آن شایستگی بهره‌وری از امری و اختصاص آن به خود را یافته و رعایت آن بر دیگران نیز لازم است (حقیقت و موسوی، ۱۳۸۱: ۱۳۷). حق در معنای دیگر اختیار و امتیاز قانونی است که افراد دارا می‌باشند (علی‌بابایی و آقایی، ۱۳۶۵: ۲۳۵). کاتوزیان نیز مفهوم حق را تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع می‌داند. حقوق برای هرکس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق» بیان می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲).

در تعریف اصطلاحی «حقوق» که جمع واژه حق است، برخی حق را آن چیزی می‌دانند که با حکم ثابت بشود. بدین ترتیب، حق را تحدید به مراحل دادرسی و کشف و آثار آن دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۹۵). برخی صاحب‌نظران حقوق نیز برای آن تعاریف دیگری ارائه داده‌اند. در یک معنا، حقوق عبارت است از مجموع قواعدی که درباره اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند، استعمال می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۱۲). در معنای دیگر که مدنظر ماست، حق برای هرکس امتیازی برای دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این توان و امتیاز را حق نامیده‌اند که جمع آن حقوق می‌شود، همچون حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی و حق امنیت و... (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۳).

### شهروند، شهر و شهروندی

واژه شهروند همانند بسیاری از واژه‌های سیاسی اجتماعی و حقوقی، در طول مسیر تاریخی و سیر تکاملی خود تا رسیدن به معنای امروزی، شکل‌های متفاوتی به خود گرفته است. این واژه را اکثراً به لحاظ خاستگاه و بالندگی به غرب منتسب می‌دانند؛ ولی در ادبیات فارسی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (افشار صدری، ۱۳۸۲: ۱۵۹). گروهی کسی را شهروند می‌دانند که در شهر ساکن باشد. در



توضیح باید گفت اساساً برخی الزامات این واژه در غیر شهر معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند؛ زیرا تنها شهرها محل ظهور و بروز روابط پیچیده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی‌اند و روستاها و مکان‌های غیرشهری، از زیرساخت‌های لازم برای شکل‌گیری و شکل‌دهی به این دسته مسائل، برخوردار نیستند. اما این بدان معنی نیست که روستاییان یا افرادی که در غیرشهر زندگی می‌کنند، شهروند محسوب نمی‌شوند؛ بلکه از منظری دیگر، به همه افراد یک سرزمین یا کشور، شهروند گفته می‌شود.

برای شهر براساس دو دیدگاه کلی مکان‌محور و انسان‌محور می‌توان تعاریف جداگانه‌ای ارائه داد:

۱- دیدگاه مکان‌محور: برخی در تعریف شهر بیشتر بر جنبه جغرافیایی، ساختمان‌ها، فضاها، بناها و خلاصه فضای کالبدی آن تأکید ورزیده‌اند و به نقش حیاتی انسان در شکل‌گیری شهر کمتر توجه کرده‌اند؛ در نتیجه، شهری را به تصویر کشیده‌اند که سراسر جسم است و در آن از روح خبری نیست و به اصطلاح در وادی حاشیه پررنگ‌تر از متن فرو رفته‌اند.

۲- دیدگاه انسان‌محور: برخی باتوجه به این نکته که پایه اساسی شکل‌گیری شهر انسان است، آن را بر محوربودن انسان تعریف کرده‌اند و روح شهر (انسان) را در کنار جسم آن (فضای کالبدی) پاس داشته‌اند. براساس این نوع نگرش، شهر کانون شکل‌گیری روابط پیچیده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی میان انسان‌هایی است که در فضای جغرافیایی معینی، با همکاری و همیاری، در کنار هم زندگی می‌کنند. در این دیدگاه، در عین اینکه به بعد مکانی نیز به عنوان محل به‌زیسن انسان توجه شده است، شهر را حوزه مکانیسمی می‌دانند که از گستردگی فضا، جمعیت، تنوع خرده‌فرهنگ‌ها، تنوع مشاغل و نظم ساختاری برخوردار است و جایگاه حاکمیت و قدرت و جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و محل سازمان‌های بزرگ اجتماعی، محل تولید و سرایت اطلاعات، اخبار و رفتارها و در یک کلام فرهنگ‌سازی است.

درخصوص تعریفی از شهروندی، متناسب با تعاریفی که از اصطلاحات حقوق و شهروند انجام دادیم، می‌توان این تعریف را ارائه داد که: «شهروندی موقعیت و وضعیتی است که به همه شهروندان اعطا شده است تا مجموعه روابط شهری شهروندان را مطابق با آموزه‌ها و قوانین الهی، فطری و قراردادهای اجتماعی نظم و سامان دهد.»



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۵۰

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

## حقوق شهروندی

در طول سه قرن گذشته، تعاریف گوناگونی درباره حقوق شهروندی ارائه شده و هر تعریفی بخشی از حقوق شهروندی را برجسته ساخته است. به زعم نگارنده: «حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف در روابط فردی و اجتماعی شهروندان و به صورت متقابل بین شهروندان و نخبگان سیاسی در زمینه‌های مختلف در جامعه اسلامی است که در جهت سامان دادن به بهتریستن و تعاملات شهروندان مسلمانان و غیرمسلمان، بدون هیچ گونه تبعیض بین آنها در جامعه‌ای دینی و در مسیر رسیدن به آسایش، آرامش، وحدت و تکامل دنیوی و بالتبع اخروی، با در نظر گرفتن شأن والای انسانی شهروندان تدوین می‌شود.»

### تعریف «حقوق شهروندی»

تعریف حق از دیدگاه امام علی: امام علی (ع) درباره حق دو تعبیر ارائه داده‌اند:

• در تعبیر نخست امام، «حق» دارای مفهومی گسترده در توصیف و تعریف<sup>۱</sup> است؛ اما به هنگام رعایت و عملی کردن آن زمینه و ابعادی محدود دارد.<sup>۲</sup> به تعبیر ابن میثم بحرانی، هنگامی که مردم بخواهند حق را تعریف کنند، آن را به راحتی تعریف می‌کنند و بر زبان می‌آورند؛ چراکه حق دارای ابعاد بسیاری است. ولی موقعی که اجرای حق مطرح می‌شود، به دلیل سخت بودن آن در عمل و مشکل بودن احقاق حق، مجال و فرصت و عرصه برای مردم تنگ می‌شود؛ زیرا اجرای حق همیشه با وجوب ترک بعضی مقاصد مطلوب و محبوب مردم توأم است. اطلاق گستردگی و تنگی واژه حق، آن هم به صورت استعاره، به مخاطب می‌فهماند که دامنه سخن وسیع، ولی دایره عمل به گفته‌ها تنگ و محدود است، آن هم دقیقاً در جایی که کاری نه چندان مهم به سهولت انجام شود، ولی آنچه اهمیت بیشتری دارد، به سادگی انجام نشود (بحرانی، ۱۴۱۲: ۱۲۰).

• در تعبیر دوم، امام حق را در برابر تکلیف مطرح می‌کنند که همان مسئله پیوستگی حق و تکلیف است. هر جا حقی است، تکلیفی نیز هست و برعکس. در هیچ جا حق یک جانبه

۱. فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَّاصُفِ، نهج البلاغه، محمد دشتی، قم: انتشارات علامه، چاپ اول، زمستان ۷۹، خطبة ۲۱۶، صص ۴۴۰-۴۴۱. / سید کاظم محمدی و محمد دشتی، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم: نشر امام علی (ع)، چاپ دوم، آبان، ۱۳۶۹، ص ۱۳۲.  
۲. وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ، همان، خطبة ۲۱۶، صص ۴۴۰-۴۴۱. سید کاظم محمدی و محمد دشتی، پیشین، ص ۱۳۲.



وجود ندارد؛ حتی در برابر حق خدا که صاحب بالاترین حق بر مردم است، حقوقی برای مردم وجود دارد. حق هدایت و حق فرستادن پیامبران و امامان و قرآن (دستورها و قوانین بهتریستن) از جمله حقوق مردم بر خداوند است.<sup>۱</sup>

امام علی (ع) دایره حقوق را از روابط میان انسان‌ها فراتر دانسته و آن را به روابط میان انسان‌ها و پروردگار نیز تعمیم می‌دهد؛ چنان‌که می‌فرماید: «بی‌گمان در برابر هر نعمتی خدای را حقی است...»<sup>۲</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: «اسلام را هدف غایی است. بکوشید به سوی آن هدف پیش روید تا از عهده مسئولیتی که خداوند به عنوان حق خویش بر دوستان نهاده، به درستی برآیید. در این صورت است که من در قیامت به سودتان گواهی می‌دهم و از شما دفاع می‌کنم.»<sup>۳</sup>

باتوجه به ویژگی‌هایی که از سخنان امام (ع) در مورد حق برشمردیم، می‌توان آن را در معنای اخص این گونه تعریف کرد: «حق امری اعتباری است که بر حسب آن، شخص یا گروه خاصی، قدرت قانونی پیدا می‌کند تا نوعی تصرف اعتباری یا خارجی در شیء یا شخص دیگر انجام دهد و لازمه آن، امتیازی است برای ذی حق نسبت به دیگران و اختصاص متعلق حق به وی که نوعی اضافه است.

### منشأ حق و حقوق

در جهان‌بینی اسلامی، چارچوب و مبانی حقوق و قواعد آن به جعل و اعتبار الهی مشروعیت می‌یابد؛ زیرا خداوند خالق نظام تکوین و تشریع بوده و سرچشمه حقوق انسان‌ها و اعتبار و ارزش قوانین، از جمله حقوق شهروندی، وجود و اراده الهی است.<sup>۴</sup> این اراده الهی برای شکل‌گیری حقوق شهروندان دو منشأ متفاوت قرار داده است. مواردی از حقوق شهروندان

۱. ...لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ، وَلَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَلَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ، لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ... نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۲۱۶، صص ۴۴۰-۴۴۱.

۲. «إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا». نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۲۴۴، ص ۶۸۱. سید کاظم محمدی و محمد دشتی، پیشین، ص ۲۰۸.

۳. فَاهْتَدُوا بِعِلْمِكُمْ، وَإِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايَتِهِ. وَآخِرُ جُؤَالِي إِلَى اللَّهِ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ، وَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ وَظَائِفِهِ. أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ، وَحَاجِبٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ. همان، خطبه ۱۷۶، صص ۳۳۴-۳۳۵.

۴. فی عمل عباد الله علی احکام الله استيفاء الحقوق و کل الفرق. عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، محمد علی انصاری، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، چاپ اول، زمستان ۸۰، حدیث ۶۴۵۰، ص ۵۳۵؛ محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، جلد ۲، ص ۴۸۰.

در نظام تکوین منشأ طبیعی داشته و برخی در نظام تشریع و براساس قرارداد شکل می‌گیرد. اکنون این دو منشأ را براساس سیره امام علی (ع) بررسی می‌کنیم.

۱- منشأ فطری و طبیعی: این نوع حق از طبیعت شیء سرچشمه گرفته است و همه انسان‌ها بدون اینکه کس یا کسانی در وضع و ساختن آن دخیل باشد، می‌توانند از آن برخوردار باشند؛ مانند حق آزادی،<sup>۱</sup> حق انتخاب،<sup>۲</sup> حق حیات و بهره‌مند شدن از مظاهر طبیعت، تا آنجاکه به حقوق دیگران (حال و آینده) تجاوز نشود.<sup>۳</sup>

۲- منشأ قراردادی: حد و حدود این منشأ را قانون تعیین می‌کند. خواه این قانون مستند به شرع باشد و خواه عقلا و پذیرفته‌شدگان در هر جامعه وضع کرده باشند. احساس نیاز به چنین حقوقی در روابط متقابل پدید می‌آید و از ضرورت‌های تشکیل حکومت، به وجود آوردن چنین قوانینی برای استیفای حقوق اقشار مردم است.<sup>۴</sup> قوانینی که در راستای حقوق متقابل شهروندان و دولت شکل می‌گیرد، از این نوع است.<sup>۵</sup>

### اقسام حق از منظر حضرت علی (ع)

در نظام حقوق علوی، دو نوع حق را می‌توان از هم تفکیک کرد: نوع اول حقوق خداوند (حق الله) است که حقوق شهروندی برپایه حقوق الهی و برگرفته از قواعد و متن دین و بر مدار توحید استوار است و مبانی و چارچوب حقوق و قواعد آن به جعل و اعتبار الهی مشروعیت پیدا می‌کند. باتوجه به اینکه برخی حقوق در نظام تکوین، منشأ فطری و طبیعی دارد و برخی در نظام تشریع قراردادی بوده و خداوند خالق نظام تکوین و تشریع است،

۱. «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا». نهج البلاغه، پیشین، نامه ۳۱، صص ۵۳۲-۵۳۳.

۲. حق انتخاب، از همین نوع منشأ نشأت گرفته و هر کس در اصل آفرینش، آزاد آفریده شده و ذاتاً حق انتخاب دارد. اساساً، دین و شریعت آمده تا این حق ذاتی را به انسان‌ها بازگرداند، و آنان را از چنگال اهریمنان انس و جن‌رها و آزاد سازد. «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ». اعراف، قرآن، اعراف (۷): ۱۵۷.

۳. «خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» همان، بقره (۲): ۲۹.

۴. نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۴۰، صص ۹۲-۹۳. «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ: فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ: فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فِتْنِكُمْ عَلَيْكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا. وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ، وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ». همان، خطبه ۳۴، صص ۸۶-۸۹.

۵. مرا بر شما حقی هست و شما را بر من حقی هست، حق من بر شما نیکخواهی است مادام که با شما باشم و تقسیم غنیمت، و... محمد بن جریر طبری، پیشین، جلد ۶، صص ۲۶۱۶-۲۶۱۷.





می‌توان گفت که سرچشمه حقوق انسان‌ها (حق الناس) خداوند و به صورت واحد بوده و اعتبار و ارزش قوانین و از جمله حقوق شهروندی، اراده الهی است.

حق الله: انسان نخست در برابر خداوند مسئول است تا تکالیفی را که برعهده او نهاده انجام دهد. لذا امام می‌فرمایند: «اسلام هدفی غایی دارد. به سوی آن هدف پیش بروید تا از عهده مسئولیتی که خداوند به عنوان حق خویش بر دوشتان نهاده به درستی برآیید. در این صورت است که من در قیامت به سودتان گواهی می‌دهم و از شما دفاع می‌کنم.»<sup>۱</sup> امام علی (ع)، موقع اعزام کارگزاران خود برای گرفتن زکات از مردم، بر اهمیت حق خداوند تأکید می‌کنند و در بیان خویش به رابطه دوسویه حقوق خداوند و حقوق مردم اشاره دارند (کوفی اصفهانی، ۱۳۷۱: ۴۸).

حق الناس: آنچه در مورد حق خداوند و اهمیت آن گفته شد، بدین معنی نیست که حضرت علی (ع) از حقوق مردم غفلت کرده‌اند؛ بلکه برعکس، همه مسلمانان باید حقوق دیگران را رعایت کنند. البته باز رعایت این حقوق باید در راستای اجرای حقوق الهی باشد؛ یعنی قصد و هدف اجرای حقوق الهی است و به تبع آن حقوق تمام مردم نیز باید رعایت شود. درباره اهمیت حقوق مردم و تقدم حق مردم بر حق الله، امام در نهج البلاغه می‌فرمایند: «خداوند سبحان حقوق بندگان را بر حقوق خود مقدم قرار داده است؛ پس هرکس برای ادای حقوق بندگان خدا قیام کند، درواقع، همین عملش او را به ادای حقوق الهی می‌کشاند» (ری شهری: ۴۸). در تعبیری زیبا نیز در شرح غررالحکم و دررالکلم آمده است که حق تعالی به لطف خود، برای عنایت به بندگان چنین کرده که حقوق بندگان پیشرو حقوق او باشد و هرکه آن‌ها را به جا آورد و حق کسی پیش خود نگذارد، آن باعث این شود که البته حق الله را نیز به جا آورده باشد و چیزی از آن‌ها از او فراموش نشود.<sup>۲</sup> در جایی دیگر آمده است که داشتن حاکم از بین شهروندان و عمل کردن به حقوق شهروندان، باعث می‌شود که همه حقوق استیفا شود و همچنین آن کار تمام لطف به شهروندان باشد؛ زیرا باعث انتظام اموال دنیوی و اخروی



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی - پژوهشی  
مجموعه دراسات العالم الاسلامی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۵۴

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

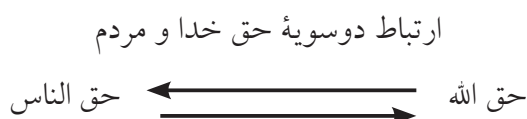
۱. فَاهْتَدُوا بِعَلَمِكُمْ، وَإِنَّ لِلْإِسْلَامِ غَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى غَايَتِهِ. وَإِخْرُجُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ، وَبَيِّنْ لَكُمْ مِنْ وَظَائِفِهِ. أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ، وَحَجِيجٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ. نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۱۷۶، صص ۳۳۴-۳۳۵.

۲. جعل الله سبحانه حقوق عباده مقدمه لحقوقه، فمن قام بحقوق عباده الله كان ذلك موديا الى القيام بحقوق الله. عبدالواحد آمدی، پیشین، حدیث ۴۷۶۳، ص ۳۸۸.



هرکس گردد و این تمام لطف است.<sup>۱</sup> باتوجه به این مباحث، خداوند سبحان رعایت حقوق بندگان را مقدمه رعایت حقوق خود قرار داده است.<sup>۲</sup>

پس به لحاظ اینکه مراد از حق الناس حق مربوط به فرد یا افراد خاصی است و حق الله در برابر آن قرار می گیرد، می توان مقصود از آن را حقوق عمومی جامعه دانست؛ به ویژه اینکه حق الله را نمی توان بر معنی حقیقی آن حمل کرد، زیرا خداوند صمد و بی نیاز است. هر شهروند مسلمان باید حقوق شهروند دیگر را رعایت کند؛ زیرا رعایت این حقوق در راستای اجرای حقوق الهی است و هدف اجرای حقوق الهی است، اگر چه به تبع حقوق شهروندان باید محقق و رعایت شود.



### شهروند از دیدگاه امام علی (ع)

محتوای فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر، تأکید امام بر حقوق شهروند را آشکار می سازد. در این فرمان، کلمات «ناس»، «رعیت»، «عامه» و بیان مشابهات مردم در خلقت، همه با واژه شهروند، ارتباط تنگاتنگی دارند (امامی و آشتیانی، ۱۳۷۷: ۱۴۱). ولی در میان واژه های مذکور،<sup>۳</sup> واژه رعیت از نظر مفهوم و بار سیاسی حقوقی، از دیگر واژه ها به مفهوم شهروند نزدیک تر است. رعیت در زبان عربی بار مثبتی دارد؛ اما معنای منفور آن در زبان فارسی و خلط میان این دو معنا، موجب شده است که از اطلاق رعیت بر مردم در نظام های سیاسی امروز، معنایی منفی به ذهن آید. «در زبان فارسی، به گروهی که دارای سرپرست بوده و به کشاورزانی که برای مالک (ارباب) زراعت می کنند و به اتباع و تبعه یک کشور رعیت

۱. فی عمل عباد الله علی احکام الله استیفاء الحقوق و کل الرفق. همان، حدیث ۶۴۵۰، ص ۵۳۵.

۲. جعل الله سبحانه حقوق عباده مقدمه لحقوقه فمن فام بحقوق عباد الله. همان، حدیث ۴۷۶۳، ص ۳۸۸.

۳. در فرمان علی (ع) به مالک سی مورد جملاتی وجود دارد که تمام انسان ها از هر ملیت، نژاد، صنف و مذهب را در برمی گیرد. «ناس» به معنی مردم در نه مورد، «رعیت» به معنی شهروند در سیزده مورد، «عامه» به معنی همگان در سه مورد، «کل امری» به معنی هر انسانی در دو مورد، «عباد الله» به معنی بندگان خدا در یک مورد و صریح تر از همه «نظیر لک فی الخلق» به معنی هم نوع تو در خلقت، در یک مورد در عهدنامه حضرت علی (ع) آمده است.

\* ر.ک: محمد تقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹، ص ۳۱۹.



گفته می‌شود» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰۶۷۹). از آنجاکه در زبان فارسی، این واژه ما را به یاد نظام ارباب‌رعیتی می‌اندازد، به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی، مناسب‌ترین واژه در زبان فارسی به جای واژه رعیت، واژه شهروند باشد؛ هرچند واژه‌های دیگر، از جمله ناس و عامه، نیز به مفهوم شهروند نزدیک هستند.

### تعریف شهر از دیدگاه امام‌علی(ع)

از لوازم تحقق دموکراسی تأکید بر مفهوم شهر است. دموکراسی در شهر و جامعه صورت واقعی به خود می‌گیرد (بحرانی، ۱۳۹۱: ۸). نگاه امام‌علی به شهر ایدئال، نگاهی انسان‌محور است. شهری که در آن زمینه ظهور و پیشرفت و ترقی مادی و معنوی انسان در آن وجود داشته باشد، از منظر امام‌علی(ع) از بهترین شهرهاست. در چنین شهری، شهروند با ویژگی‌های اسلامی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> بنابراین، شهر انسان‌محور علوی را می‌توان نمونه‌ای از شهر ایدئال اسلامی به عنوان بستر تحقق و ارتقای حقوق و فرهنگ شهروندی فرض کرد.



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

### مشمولان حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در سیره علوی، تنها به مسلمانان مربوط نمی‌شود؛ بلکه غیرمسلمانان و اقلیت‌ها نیز صاحب حق و حقوق شهروندی هستند. حقوق شهروندی در نظر امام(ع) مجموعه‌ای از شاخص‌ها را دربرمی‌گیرد که به عنوان اصول کلی، در هر جامعه‌ای می‌توان با در نظر گرفتن خصوصیات فرهنگی و مکانی آن را به اجرا گذاشت. عملیاتی کردن حقوق شهروندی مدنظر امام(ع) در کشورهای گوناگون، به لحاظ تأثیرپذیری، با توجه به درجه استفاده از نظام‌های حقوقی دیگر از جمله قانون اساسی و آرای مردم، متفاوت است. حقوق شهروندی مدنظر امام(ع) هرچند به حقوق شهری مدرن بسیار نزدیک باشد، با آن تفاوت دارد.

در حقوق شهروندی مطرح شده در سیره امام‌علی(ع)، نوعی ارتباط و درهم تنیدگی حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی خودنمایی می‌کند. نوعی ارتباط تنگاتنگ درون‌ساختاری میان خرده‌سیستم‌های اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی،

۱. لَيْسَ بَلَدٌ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ. نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۴۴۲، صص ۷۳۴-۷۳۵.

اجتماعی و امنیتی در الگوی شهروندی مدنظر امام وجود دارد.

مفهوم حقوق شهروندی به معنای امروزی آن، ساخته و پرداخته مکاتب غربی است؛ ولی بنابر نتایج این پژوهش، ویژگی‌ها و شاخص‌های حقوق شهروندی (به لحاظ خاستگاه) در صدر اسلام، از جمله دوران حکومت علی (ع) به منصفه ظهور رسیده است؛

### کیفیت تسری قاعده حق و تکلیف در حقوق شهروندی

بر اساس قاعده حق و تکلیف در نظام اجتماعی، دولت حقوقی بر شهروندان داشته و شهروندان نیز در برابر دولت تکالیفی را بر عهده دارند. شهروندان نیز در برابر یکدیگر حق و حقوقی دارند که تمامی این‌ها در یک قالب حقوقی و قانونی، تعریف و قراردادی می‌شود. هر جا حقی باشد، در مقابل آن تکلیفی و هر جا تکلیفی باشد،<sup>۱</sup> در مقابل آن حقی است. اگر چنین نباشد، جعل حق یا تکلیف بیهوده است. البته لازم نیست هر محقی مکلف باشد. کودکان تا به سن بلوغ نرسیده‌اند دارای حق‌اند، نه تکلیف؛ مگر اینکه بگوییم بالقوه مکلف‌اند. با این اوصاف، برای مکلف بودن، تنها رسیدن به بلوغ کافی نیست. دیوانگان حقوقی دارند؛ ولی مکلف نیستند.

امام علی (ع) حقوق متقابل را در راستای قاعده حق و تکلیف مطرح می‌کند و به این حقیقت اشاره دارند که زندگی اجتماعی انسان با حقوق متقابل به هم آمیخته است و اصولاً در حیات اجتماعی، حق یک طرف وجود ندارد؛ به ویژه در جوامعی که بر اساس عدل و حکمت پایه‌ریزی شده. در نتیجه رشد و کمال بدون رعایت حقوق متقابل ممکن نیست؛ بنابراین، در حقوق متقابل، حق همان گونه که منشأ تکلیف است، همواره قرین تعهد نیز هست. لذا اگر کسی حقی بر دیگری دارد، متقابلاً باید خود متعهد باشد تا وظایف برخاسته از حق را که بر عهده دارد، کاملاً رعایت کند. لذا حق و تعهد و تکلیف هر سه ملازم یکدیگرند.<sup>۲</sup>

یکی از حقوقی که امام به عنوان مهم‌ترین حقوق متقابل به آن اشاره می‌کنند، حقوق متقابل

۱. فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاضُّعِ، وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ، لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ. وَلَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَلَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ، لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ، لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَلِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ صُرُوفُ قَضَائِهِ، وَلَكِنَّهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ، وَجَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةُ الثَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ، وَتَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ أَهْلُهُ. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، پیشین، خطبه ۲۱۶، صص ۴۴۰-۴۴۱.

۲. ثُمَّ جَعَلَ - سُبْحَانَهُ - مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقاً افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ، فَجَعَلَهَا تَتَكَافَأُ فِي وُجُوهِهَا، وَيُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضاً، وَلَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ. وَأَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ - سُبْحَانَهُ - مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ، وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي. هَمَّان، صص ۴۴۲-۴۴۳.

شهروندان و حکومت است. ایشان قبل از بیان هر حقی به متقابل بودن حق اشاره داشته‌اند. برای نمونه بعد از جنگ نهروان، برای مردم سخنرانی کرده و آن‌ها را به آماده شدن برای جنگ فراخواند؛ ولی آن‌ها تعلل کردند. پس میان جمع به سخن گفتن ایستادند و به وظایف متقابل خود و مردم اشاره کردند (طبری، ۱۳۶۲: ۲۶۱۶ تا ۲۶۱۷).

این نوع تأکید را بارها در خطبه‌ها و نامه‌ها و سخنرانی‌های مختلف امام می‌بینیم.<sup>۱</sup> البته حقوق متقابل فقط در رابطه با حقوق متقابل شهروندان و حکومت نیست؛ بلکه در روابط بین شهروندان و طبقات در سطح فردی و اجتماعی نیز صادق است. مثلاً امام درباره حقوق متقابل افراد، برای تبیین حقوق پدر و فرزند، ابتدا به متقابل بودن حقوق اشاره کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### انواع شاخص‌های حقوق شهروندی

برای رسیدن به تقسیم‌بندی کلی و درعین حال دقیق و پویا و برای ایجاد تناسب آن با نظام‌های سیاسی در جهان کنونی، با لحاظ کردن همه حقوقی که به مثابه حق شهروندی در سیره امام علی (ع) وجود دارد، حقوق شهروندی را به دو نوع شاخص کلی تقسیم می‌کنیم:

۱- شاخص‌های بنیادین: مجموعه شاخص‌ها و حقوق ساختاری است که زیربنای همه حقوقی را که به عنوان حق شهروندی در سیره امام علی (ع) وجود دارد، تشکیل می‌دهد؛ ضمن اینکه این نوع شاخص در هر وضع زمانی و مکانی ثابت است و بدون توجه به آن‌ها، شکل‌گیری حقوق شهروندی دور از واقعیت.

۲- شاخص‌های راهبردی: مجموعه شاخص‌های حقوقی است که شهروندان به واسطه زندگی در اجتماع انسانی و زندگی فردی، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، قضایی، مدنی و... از آن برخوردار می‌شوند. این قسم بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین حقوقی است که برای هر شهروند وجود دارد. این نوع شاخص‌ها برخلاف شاخص‌های بنیادی در اوضاع زمانی و مکانی مختلف تغییرپذیر است.

۱. تعدادی از منابعی که متناسب با بحث به این مسئله اشاره کرده‌اند: (۱). نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۳۴، ص ۸۸-۸۹. خطبه ۱۰، ص ۵۶۳. خطبه ۱۶۹، ص ۳۲۳ و نامه ۵۰، ص ۵۶۳. (۲). ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی، الغارات، عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر ارشاد، پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۹. (۳). عزالدین ابن اثیر، پیشین، جلد پنجم، ص ۱۹۴۷.  
۲. نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۳۹۹، صص ۷۲۴-۷۲۵.



## ارتباط حقوق شهروندی با آخرت

میان حقوق شهروندی و آخرت، پیوستگی جهت‌داری وجود دارد. این پیوستگی گسستنی نیست؛ زیرا مقصد اصلی آخرت بوده و دنیا در نظر امام گذرگاه آخرت و محل آزمایش حاکمان و مردم است.<sup>۱</sup> مردم نیز به مسافرانی می‌مانند که باید برای رسیدن به سعادت اخروی، از گذرگاه دنیا عبور کنند تا توشه خود را برای رسیدن به آخرت<sup>۲</sup> و سعادت جاویدان بگیرند؛<sup>۳</sup> زیرا مردم برای همیشه در دنیا زندگی نخواهند کرد و این مدت زندگی دنیایی نیز در برابر زندگی آخرتی کوتاه خواهد بود و ارزش انسان‌ها آن‌قدر رفیع است که نمی‌توان بهایی جز بهشت برای آن متصور شد.<sup>۴</sup>

وقتی در مقام سود و زیانی که دنیا و آخرت دارد به رابطه دو مفهوم مورد بحث می‌نگریم، مشخص می‌شود که حاکمان و نخبگان سیاسی به سبب عذاب اخروی پایمال کردن حقوق مردم، حاضر نمی‌شوند حقی را به ناحق برای به دست آوردن سودی ناچیز، با عذاب سخت جابه‌جا کنند. مصداق بارز آن را می‌توان در سخنان امام علی (ع) دید؛ زیرا ایشان به‌رغم اینکه در نتیجه اعتماد عمومی مردم، دسترسی به بیت‌المال و قدرت و شهرت در بالاترین مرتبه برایش به وجود آمده بود، می‌فرماید حاضر است خارهای سعدان<sup>۵</sup> و تیغ‌های برنده را تحمل کند یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شود، ولی چیزی از اموال عمومی را از روی ستم جابه‌جا نکند، تا از بهره اصلی در آخرت، یعنی خشنودی خدا و پیامبرش، دور نماند.<sup>۶</sup>

با این اوصاف، مشخص شد که توجه حاکم به مرگ و نهایت انسان که رسیدن به سرای قیامت و روز حسابرسی است،<sup>۷</sup> باعث می‌شود به شهروندان خود توجه خاص داشته و فکر

۱. فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، وَابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا... نهج البلاغه، پیشین، نامه ۵۵، صص ۵۹۲-۵۹۳.

۲. انه كان (ع) ينادي في كل ليلة حين يأخذ الناس مضاجعهم للمنام بصوت يسمعه كافة اهل المسجد و من جاورة من الناس: تزودا رحمكم الله فقد نودي فيكم بالرحيل؛ محمد بن محمد بن نعمان شيخ مفيد، الارشاد، سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران: انتشارات علميه اسلاميه، بی تا، جلد ۱، باب سوم، ص ۲۲۸.

۳. نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۲۸، صص ۷۶-۷۸.

۴. إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا، همان، حکمت ۴۵۶، صص ۷۳۸-۷۳۹.

۵. خاری سه شعبه که خوراک شتران است سخت گزنده است.

۶. وَاللَّهِ لَأَنَّ أَبَيْتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا، أَوْ أُجِرَّ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ؛ همان، خطبه ۲۲۵، صص ۴۵۸-۴۵۹.

۷. ايها الناس اصبحتم أعرضنا تنتفضل فيكم المنيا و أموالكم نهب للمصائب، ما طعتم في الدنيا نعمته تفرحون بها إلا بفراق اخري تكرمونها، ايها الناس انا خلقنا و اياكم للبقاء لا للفناء لكنكم من دارد الى

خدا، وجود روز حساب در دنیایی دیگر به نام آخرت، او را به رفتار عادلانه و رسیدگی به حقوق مردم رهنمون سازد. امام بارها به شهروندان جامعه آن زمان سفارش کرده‌اند آخرت‌گرا باشند و توشه بگیرند.<sup>۱</sup> نیز حاکمان و نخبگان سیاسی حکومت خویش را که مستقیم با حقوق مردم در ارتباط بودند، مستمراً از عذاب آخرت می‌ترساندند تا دربارهٔ بیت‌المال و مواهب آن، آنچه برای خود نمی‌پسندید برای دیگران نیز ناپسند بدانند؛ زیرا با پایمال نکردن حق از طریق دوری از پارتی‌بازی، رشوه، برتری‌دادن افراد خاص نسبت به دیگر شهروندان، برخوردهای تبعیض‌گونه با شهروندان و به‌طور کلی تضییع حقوق مردم، به پاداش الهی دست می‌یابند.<sup>۲</sup>

حقوق شهروندی انتظاری در مسیر رسیدن به عدالت اجتماعی است. گرچه عدالت اجتماعی ارزش ذاتی دارد، هدف نیست؛ بلکه وسیلهٔ رسیدن به هدف، یعنی سعادت حقیقی است و پرداختن عادلانهٔ حقوق مردم و به‌بارنشستن عدالت اجتماعی زمینه‌ساز این سعادت است. لذا پایمال کردن حقوق مستحقان و به‌طور کلی ظلم و تعدی به حقوق مردم، آفات زمینه‌ساز رسیدن به این سعادت حقیقی است. بنابراین از نظر امام علی (ع)، جامعه‌ای به سمت کیفی شدن در مسیر برنامه‌ریزی و اجرای حقوق شهروندی قدم برمی‌دارد که توانسته باشد این ارتباط دوسویهٔ دنیا و آخرت و جهت‌داربودن آن برای رسیدن به سعادت حقیقی، یعنی سعادت اخروی، را به بخش‌های مختلف یک نظام سیاسی درگیر با حقوق شهروندی از جمله شهروندان و برنامه‌ریزان و مجریان، به‌درستی تزریق کرده باشد.

## ارتباط حقوق شهروندی با آموزه‌های اخلاقی

در سیرهٔ علوی، پیوندی ناگسستنی بین حقوق شهروندی و آموزه‌های اخلاقی وجود دارد؛

دار تغفلون، فتزود و الما أنتم صائرون الیه و خالدون فیه؛ محمدبن محمدبن نعمان شیخ مفید، الارشاد، پیشین، جلد ۱، باب سوم، ص ۲۳۲.

۱. انه کان (ع) ینادی فی کل لیلۃ حین یأخذ الناس مضاجعهم للمنام بصوت یسمعه کافه اهل المسجد و من جاوره من الناس: تزودوا رحمکم الله فقد نودی فیکم بالرحیل؛ همان، باب سوم، ص ۲۲۸. / فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ، وَبَادِرُوا أَعْمَالَكُمْ، وَاتَّبِعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُول عَنْكُمْ، وَتَرَحَّلُوا فَقَدْ جُدَّ بِكُمْ، وَاسْتَعْدُوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظْلَكُمْ، وَكُونُوا قَوْمًا صِيحَّ بِهِمْ فَانْتَبَهُوا، وَعَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدَّلُوا. نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۶۴، صص ۱۱۲-۱۱۳.

۲. اجْتَنِبْ مَا تُنْكَرُ أَمْثَالَهُ، وَابْتَذِلْ نَفْسَكَ فِيمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ، رَاجِعاً ثَوَابَهُ، وَتَخَوُّفاً عِقَابَهُ. وَأَعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا دَارٌ بَلَاءٍ لَمْ يَفْرُغْ صَاحِبُهَا قَطُّ فِيهَا سَاعَةً إِلَّا كَانَتْ فِرْغَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَنَّهُ لَنْ يُغْنِيَكَ عَنِ الْحَقِّ شَيْءٌ أَبَدًا، وَمِنَ الْحَقِّ عَلَيْكَ حِفْظُ نَفْسِكَ، وَالْإِحْسَابُ عَلَى الرَّعِيَّةِ بِجَهْدِكَ، فَإِنَّ الَّذِي يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنَ الَّذِي يَصِلُ بِكَ، وَالسَّلَامُ. همان، نامه ۵۹، صص ۵۹۶-۵۹۷.

بدین‌سان که هر دو در جهت ایجاد نظم و عدالت اجتماعی در جامعه مسیری مشترک طی می‌کنند. حقوق شهروندی سطوح مختلفی را از حقوق تا اخلاق دربرمی‌گیرد؛ زیرا نظام حقوق علوی برپایه نظام اخلاقی استوار است و تفکیک مرز حقوق از اخلاق در نظام حقوق شهروندی مدنظر امام‌علی(ع) امکان‌پذیر نیست، هرچند حوزه اخلاقیات به مراتب وسیع‌تر و جذاب‌تر است.

حقوق شهروندی این است که افراد دارای حقوقی هستند و به سبب ایجاد نظم در زندگی اجتماعی، باید به حقوق فردی و اجتماعی همدیگر احترام بگذارند. همچنین، افراد در تعاملات و زندگی اجتماعی مدام با شهروندان دیگر و با حکومت در ارتباط هستند. در این ارتباط‌ها، حقوق اشخاص همواره با یکدیگر در اصطکاک است. خودخواهی موجود در روابط با دیگران سبب می‌شود انسان در دام نفس خویش، از امتیازات و برتری‌های دیگران به شدت ناراحت شده و به هر ترتیبی، امتیازات آن‌ها را ضایع و لااقل به نحوی توجیه کند. اینجاست که نقش اخلاقیات و آموزه‌های اخلاقی با امرونی‌های نشئت‌گرفته از تعالیم دینی و الهی، خود را نشان می‌دهد. ترویج و نهادینه‌ساختن آموزه‌های اخلاقی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان و پژوهشگران مباحث شهروندی است تا بتوانند شهروندانی با رفتارهای مسئولانه در قبال دیگران و در کل، شهروندانی تعهدپذیر و مقید به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی به بار آورند. حقوق شهروندی و اخلاق با مرزبندی‌های این دو علم در حقوق علوی منافاتی ندارد؛ زیرا در حقوق علوی دو نوع حقوق وجود دارد: حقوق اخلاقی که اگر رعایت نشود، شخص مستوجب عذاب اخروی می‌شود و حقوق قانونی یا وضعی که اگر رعایت نشود، دولت شخص را مجازات می‌کند. دسته اول بیشتر فردی است و دسته دوم بیشتر اجتماعی. در سیره علوی، علاوه بر ضمانت اجرای بیرونی (قانونی) که به عهده دولت است، ضمانت اجرای درونی (اخلاقی) به عنوان یکی دیگر از بازدارنده‌های حقوق شهروندی رسمیت یافته است. در ترسیم حقوق شهروندی مدنظر امام‌علی(ع)، آموزه‌های اخلاقی به عنوان یک شق اساسی، شهروندان را در جهت رسیدن به فضیلت‌های اخلاقی از جمله کمک به هم‌نوع، عمل به قانون، رعایت حقوق دیگران و منع بی‌بندوباری از جمله زنا<sup>۱</sup> و فحشا و همجنس‌بازی<sup>۲</sup>، تضییع حقوق

۱. مَا زَنَى غَيْرَ قَطُّ غَيْرَتُمْ؛ همان، حکمت ۳۰۵، صص ۷۰۲-۷۰۳.

۲. وَ تَرَكَ الْوَأْطِ تَكْثِيرًا لِلنَّسْلِ؛ همان، حکمت ۲۵۲، صص ۶۸۲-۶۸۳.



دیگران،<sup>۱</sup> ستم به دیگران<sup>۲</sup> و... برای رسیدن به زندگی مطلوب دنیوی و سعادت اخروی حرکت می‌دهد. بدین ترتیب، قواعد اخلاقی رنگ حقوقی به خود گرفته و در قالب قواعد حقوقی نمایان می‌شوند. آموزه‌های اخلاقی در ارتباط خود با مبحث شهروندی، مجموعه نظام ارزشی و سامانه‌ای است که در اندیشه (اخلاق نظری) شکل گرفته و در صورتی که به باور و ایمان تبدیل شود، در قلب آدمی جای می‌گیرد که اخلاق عملی بازتاب آن است. پس، انسان دیگر به حقوق دیگران تعدی نمی‌کند تا عزتش خدشه‌دار نشود؛ زیرا افق دید انسان اخلاقی دستیابی به معارف و آموزه‌های اخروی است.

گفتیم حق دایره‌ای محدودتر از اخلاق دارد. حقوق اصولاً حدودمرزی دارد که می‌توان آن را مطالبه کرد؛ ولی اخلاق افقی گسترده‌تر و جذاب‌تر دارد. قصاص حق است؛ ولی عفو و گذشت یکی از فضایل بزرگ اخلاقی است که در سیره نظری و عملی امام(ع) بر آن تأکید فراوان شده است؛ چنان‌که گفته‌اند: «اصحاب امام پیرامونش نشسته بودند که زنی زیبا از آنجا گذشت. حاضران دیده به آن زن دوختند. امام فرمود: همانا دیدگان این مردان به منظره شهوت‌آمیز دوخته شده و به هیجان آمده‌اند. هرگاه کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آید، با همسرش بیامیزد که او نیز زنی همچون زن وی باشد. مردی از خوارج گفت: خدا این کافر را بکشد. چقدر فقه می‌داند. مردم برای کشتن او برخاستند. امام فرمود: آرام باشید. دشنام را با دشنام باید پاسخ داد یا بخشیدن از گناه؟»<sup>۳</sup> ضمن اینکه امام(ع) در توصیه‌هایی مکرر، شهروندان را به پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران دعوت می‌کند و می‌فرماید: «مرد را سرزنش نکنند که چرا حقش را با تأخیر می‌گیرد؛ بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حقش نیست بگیرد.»<sup>۴</sup> به تعبیری، می‌توان گفت پرداخت و رسیدن مردم به حقوق خویش قدم اول و پوسته دین است. حال اگر بخواهیم به اخلاق شهروندی برسیم، باید به آموزه‌های دینی و به تبع اخلاقی توجه کرد تا دچار بحران نشویم.

۱. لَا يُعَابُ الْمَرْءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِنَّمَا يُعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ هَمان، حکمت ۱۶۶، صص ۶۶۶-۶۶۷.

۲. ظَلُمَ الضَّعِيفُ أَفْحَشَ الظُّم؛ عبدالواحد آمدی، پیشین، حدیث ۵۹۸۵، صص ۴۹۶.

۳. وَ رَوَى أَنَّهُ عَ كَانَ جَالِسًا فِي أَصْحَابِهِ - فَمَرَّتْ بِهِمْ امْرَأَةٌ جَمِيلَةٌ فَرَمَقَهَا الْقَوْمُ بِأَبْصَارِهِمْ - فَقَالَ ع - إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ الْفُجُولِ طَوَامِحُ وَ إِنَّ ذَلِكَ سَبَبُ هَبَابِهَا - فَإِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى امْرَأَةٍ تَعْجِبُهُ فَلْيَلَامِسْ أَهْلَهُ - فَإِنَّمَا هِيَ امْرَأَةٌ كَأَمْرَأَتِهِ - فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْخَوَارِجِ - قَاتَلَهُ اللَّهُ كَافِرًا مَا أَفْقَهُهُ - فَوُتِبَ الْقَوْمُ لِيَقْتُلُوهُ - فَقَالَ ع رُوَيْدَا إِنَّمَا هُوَ سَبٌّ بِسَبٍّ أَوْ عَفْوٌ عَنْ ذَنْبٍ نَهَجِ الْبَلَاغَةِ، پیشین، حکمت ۴۲۰، صص ۷۳۰-۷۳۱.

۴. لَا يُعَابُ الْمَرْءُ بِتَأْخِيرِ حَقِّهِ إِنَّمَا يُعَابُ مَنْ أَخَذَ مَا لَيْسَ لَهُ. هَمان، حکمت ۱۶۶، صص ۶۶-۶۶۷.



حقوقی که در حکومت علوی در قالب حقوق شهروندی مطرح شده است، الگویی نیست که فقط در چارچوب تئوری امروزی دولت ملت بگنجد؛ بلکه این تئوری آن قدر پویا و انعطاف پذیر است که می تواند با مؤلفه های کلی که ارائه داده است در هر وضع زمانی و مکانی (شهر، دولت شهر، دهکده جهانی) خود را پیدا کرده و به نیاز دولت و شهروندان پاسخ دهد. جهانی بودن را می توان در روح کلی آموزه های شهروندی و کردار امام دید؛ زیرا ایشان در گفتار و کردارشان به صرف شهر یا محل خاصی برای اجرای حقوق شهروندی نظر نداشته اند، بلکه نظریات ایشان جهان شمول بوده و ملاک شهر را در یکی از حکمت های خود، «سکونت در بهترین شهری... که انسان مورد پذیرش قرار بگیرد»<sup>۱</sup> دانسته اند. این البته محقق نمی شود، جز با فراهم شدن شهری با ویژگی های مدنظر امام (ع)، چه برای مردم و چه برای شهر اسلامی که خود آن نیز به عنوان بستر دارای روح و کالبد اسلامی و واجد ملاک مدنظر خود ایشان.

### تقسیم بندی شهروندان، براساس هویت انسانی

حضرت علی (ع) در تقسیم بندی و تعریفی که از شهروندان انجام داده اند، نوعی کرامت و آزادی و ارزش انسانی برای شهروندان، خارج از تعلقات دینی و به صرف انسان بودن، متصور شده اند. از منظر امام، حاکمان و حکومت باید نگرشی انسانی و فرامذهبی به شهروندان، قطع نظر از علایق مذهبی و دینی و به جهت دارا بودن کرامت ذاتی داشته باشند. به عبارت دیگر، این حقوق ناشی از کرامت ذاتی انسان است که فارغ از مذهب، نژاد و پوست، جنس و...، به تمام انسان ها به طور برابر تعلق دارد (افتخاری و اسدی، ۱۳۹۲: ۳۱). آنچه امام بر آن تأکید دارند، این است که تمام شهروندان جامعه اسلامی را در چارچوب هویت انسانی، به دو دسته تقسیم می کنند: «دسته اول که مسلمان و برادر دینی حاکمان به شمار می روند و دسته دوم که مسلمان نیستند، ولی در آفرینش همانند حاکمان انسان اند.»<sup>۲</sup> پس، محلی برای رفتارهای غیرانسانی با آنها وجود ندارد و باید در سایه حکومت اسلامی به حقوق اسلامی خویش دست یابند و از رحمت ویژه فرمانروایی مسلمانان، براساس کرامت انسانی شان، برخوردار شوند.<sup>۳</sup>

۱. لَيْسَ بِلَدٍّ بِأَحَقَّ بِكَ مِنْ بَلَدٍ خَيْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَكَ. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۲، پیشین، صص ۷۳۴-۷۳۵.

۲. تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ إِمَّا أَحَقَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ. همان، نامه ۵۳، صص ۵۶۶-۵۶۷.

۳. يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلُ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعَلِيلُ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَا فَأَعْطَاهُمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ؛ همان، نامه ۵۳، صص ۵۶۶-۵۶۷.

## اهمیت توجه به حقوق شهروندان

در دیدگاه امام علی (ع)، پرداختن به حقوق شهروندان از اهمیت درخور توجهی برخوردار است و در تمام شئون زندگی اجتماعی مسلمانان، حقوق مردم نمود و جایگاه مهمی دارد. در اهتمام و توجه حاکمان و نخبگان سیاسی به حقوق شهروندان،<sup>۱</sup> حقوق عموم مردم و رعایت حقوق اکثریت، باید نسبت به حقوق خواص یا حقوق فردی جایگاه رفیعی داشته باشد.<sup>۲</sup> حضرت از جمله شخصیت‌هایی است که رویکرد خاصی به حقوق گروه‌های مختلف اکثریت و اقلیت دارد. ایشان اولاً بر قاطعیت و پرهیز از سازشکاری در پرداخت حقوق شهروندی، به خصوص حقوق مرتبط با عموم مردم، تأکید و در روز اول خلافت، با قاطعیت این را بیان می‌کنند؛<sup>۳</sup> ثانیاً حتی در مسائل خرد و درباره حقوق به نظر کم‌اهمیت شهروندان نیز بی‌اعتنا نبودند؛ ثالثاً هنگام انتصاب مدیران و دست‌اندرکاران مرتبط با حقوق مردم، با توصیه‌هایی هدفمند و هشدارگونه، مسیر را برای آن‌ها ترسیم می‌کردند تا آنان برنامه‌های خود را در جهت پرداخت حقوق شهروندان و بیم از پایمال کردن آن تنظیم کنند که نتیجه‌اش مجازات این دنیا و عذاب اخروی است. ضمن اینکه حاکمان را برای کار در جهت پرداخت حقوق مردم ترغیب و تشویق می‌کردند، تا کار صادقانه برای مردم را عملی برای به‌دست آوردن رضای خدا بدانند (کوفی اصفهانی، ۱۳۷۱: ۹۰ تا ۹۱).

## سرانجام رعایت حقوق شهروندی

حکومت امام علی (ع) تجسم عملی دستورها و نگرش‌های حقوق متقابل شهروندی بود. از نظر ایشان، رعایت حقوق متقابل حاکم و شهروند ثمره‌های فراوانی دارد که اگر حاکم و نخبگان سیاسی همه آن‌ها را اجرا کنند، بنیاد حکومت تقویت شده و زمینه برای اجرای حقوق در

۱. أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيتُ عَلَيْهِ! وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ، وَمَا أَمْ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا! لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ، فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ لَهُمْ. أَلَا وَإِنْ إِيَّاهُ الْمَالُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ، وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ، وَلَمْ يَضَعْ أَمْرُهُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَكَانَ لَغَيْرِهِ وَدُّهُمْ، فَإِنْ زِلْتُ بِهِ النَّعْلَ يَوْمًا فَاحْتَاجَ إِلَيَّ مَعُونَتَهُمْ فَشَرُّ خَلِيلٍ وَالْأُمُّ خَدِينٌ!، همان، خطبه ۱۲۶، صص ۲۳۸-۲۴۰.

۲. وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ، وَمَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ، لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً. وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ!، نهج البلاغه، محمد دشتی، قم: انتشارات علامه، چاپ اول، زمستان ۷۹، خطبه ۱۵، صص ۵۸-۵۹.

۳. به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را در هر کجا که بیابم به صاحبان آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند. همان، خطبه ۱۵، صص ۵۸-۵۹.

جامعه فراهم می‌شود. در این زمینه، راهکاری که امام ارائه کرده‌اند، این است: ۱- گفتار و کردار نخبگان سیاسی و شهروندان همخوانی داشته باشد و آنچه به زبان می‌آورند، انجام دهند؛<sup>۱</sup> ۲- حاکمان و نخبگان سیاسی حقوق شهروندان را بپردازند و شهروندان نیز در برابر رسیدن به حقوق خویش، وظایف خود را در برابر حاکم و نخبگان سیاسی، انجام دهند.<sup>۲</sup> اگر هم شهروندان و هم مسئولان و رهبران جامعه به وظایف خود درست واقف باشند و آن را رعایت کنند، موجبات عزتمند شدن حق در بین مردم، نخبگان سیاسی و در نهایت جامعه، برقراری عدل در جامعه و پذیرفته شدن بایدها و نبایدهای دینی که حق شهروندی را ندا می‌دهد، در بین مردم برپا می‌شود. ثمره آن هم به وجود آمدن دولت بالنده و پرنشاط و شهروندان مشارکت‌جو و امیدوار به نظام است.

### آسیب‌شناسی رعایت نکردن حقوق شهروندی

در هر جامعه نظام‌یافته‌ای که حاکمان حقوق شهروندان را رعایت نکنند و شهروندان نیز به وظایف متقابل خود در قبال رهبر و والیان پایبند نباشند، بحران مشروعیت یا مقبولیت مردمی به وجود می‌آید. پرداخت حقوق مردم، در سیره علوی بسیار حائز اهمیت است و شکوفایی و پیشرفت را برای نظام سیاسی و مردم و مسئولان به ارمغان می‌آورد. در مقابل، بی‌توجهی نتایج وخیمی در هر جزء به بار می‌آورد. علی (ع) به ملت‌های پیش از خود اشاره می‌کند و به مسئولان و زمامداران گوشزد می‌کند که ملت‌های پیش از شما به هلاکت رسیدند، زیرا حقوق مردم را نپرداختند و به جای توجه به نقش و حضور مردم، دنیا را با رشوه و فریب و نیرنگ به دست آوردند. مردم را به باطل کشاندند و در نتیجه آن، شهروندان هم از اطاعت آن‌ها سر باز زدند.<sup>۳</sup>

امام علی (ع) بارها در مورد آسیب‌ها و نتایج امتناع از پرداخت حقوق مردم هشدار داده و مردم را به اطاعت از پیشوای عادل فراخوانده‌اند و تنها راه نجات آن‌ها را اطاعت از رهبر عادل

۱. «اگر توانستید که گفتارتان با کردارتان و نهانتان را با آشکارتان یکی کنید و آنچه در دل دارید همان باشد که بر زبان می‌آورید، همان را انجام دهید که خداوند ما را و شما را به نیروی هدایت خویش از خطا محافظت می‌کند و ما را به راه اعتدال رهنمون می‌کند. همان، ص ۹۰.

۲. فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ، وَأَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ، وَقَامَتْ مَنَهِجُ الدِّينِ، وَاعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ، وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ، فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ؛ نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۲۱۶، صص ۴۴۲-۴۴۳.

۳. فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاسْتَرَوْهُ وَأَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ. همان، نامه ۷۹، صص ۶۲۰-۶۲۱.



می‌دانند و به آن‌ها اخطار کرده‌اند که اگر از رهبری ناعادل اطاعت کنند، زمینه نابودی‌شان فراهم می‌شود (شیخ مفید: ۲۲۵).<sup>۱</sup> به تعبیر دیگری از امام، در هر جامعه نظام یافته‌ای که حاکمان حقوق شهروندان را رعایت نکنند، آن نظام با بحران مشروعیت مردمی مواجهه می‌شود و کاهش مشارکت مردمی و در نتیجه ناکارآمدی نظام را به دنبال دارد. به فرموده امام، کم‌کم وحدت کلمه از بین می‌رود و نشانه‌های ستم آشکار می‌شود و نشانه‌های اطاعت از هوای نفس و روابط، جانشین ضوابط و احکام الهی می‌شود که ماحصل آن خوارشدن نیکان و مستضعفان و قدرتمندشدن بدان و فرصت‌طلبان خواهد بود.<sup>۲</sup>

### ضمانت اجرای حقوق شهروندی

صرف وجود گفتمان حقوق شهروندی در جامعه به معنای رعایت آن نیست؛ بلکه باید افراد جامعه و به خصوص مسئولان آن، این حقوق را رعایت کنند. بدین سبب، برای رسیدن به این مقصود و داشتن جامعه مطلوب، لازم است در قالب نظامی سیاسی، دو نوع تضمین برای صحت اجرای حقوق شهروندی به وجود آید: اول، برون‌ساختاری است که شهروند با قوانینی که نظام سیاسی مشخص می‌سازد، نظام یافته و در صورت تخلف متحمل کیفرهای قانونی خواهد شد؛ دوم، درون‌ساختاری است که از درون سیستم حقوق شهروندی و ماهیت حق‌های شهروندی، ضمانت اجرا تراوش می‌کند. سوم، بازدارندگی است که گرچه نوعی فضیلت اخلاقی است، ولی در مواقعی برخلاف دومورد قبل، از درون و وجود شهروند، نقش بازدارنده را ایفا می‌نماید.

۱- ضمانت‌های برون‌ساختاری (ضمانت کیفری): به طور کلی، هر شهروند به سبب اینکه زندگی در اجتماع را پذیرفته و برای او در آن جامعه حقی در نظر گرفته شده است، موظف می‌شود به ارزش‌ها و هنجارهای قانونی براساس موقعیتی که دارد احترام گذاشته و در صورت تخلفی، حکومت او را بازخواست می‌کند و مجازات‌های کیفری برایش در نظر می‌گیرد.



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۶

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

۱. محمدبن محمدبن نعمان شیخ مفید، الارشاد، پیشین، جلد ۱، باب سوم، ص ۲۲۵.

۲. اِخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ، وَظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ، وَكَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ، وَتُرِكَتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ، فَعَمِلَ بِالْهَوَى، وَعُطِّلَتِ الْأَحْكَامُ، وَكَثُرَتْ عَلَلُ النُّفُوسِ، فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمِ حَقِّ عُطْلٍ، وَلَا لِعَظِيمِ بَاطِلِ فِعْلٍ! فَهَنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارِ، وَتَعِزُّ الْأَشْرَارِ، وَتَعْظُمُ تَبْعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ. فَعَلَيْكُمْ بِالتَّنَاصُحِ فِي ذَلِكَ، وَحَسِّنِ التَّعَاوُنَ عَلَيْهِ، فَلَيْسَ أَحَدٌ - وَإِنْ اشْتَدَّ عَلَى رِضَى اللَّهِ حِرْصُهُ، وَطَالَ فِي الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ - بِبَالِغِ حَقِيقَةِ مَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَةِ لَهُ؛ نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۲۱۶، صص ۴۲۲-۴۲۳.

دستیابی شهروندان به حقوق خود و ایجاد نظم در جامعه، در سایه ایمان به قانون و از همه مهمتر عمل به آن پدید می‌آید. امام قانون‌گرایی را نه تنها در نظر، بلکه در کردار خود و در ابتدای حکومت خویش نشان دادند؛<sup>۱</sup> چنان‌که می‌توان گفت قانونمند بودن از ابزارهای اولیه و مهم اداره اجتماع است. امام علی (ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس، کارگزار خود در آذربایجان، می‌نویسد که بدون مشورت و خارج از چارچوب ضابطه و قانون و به تشخیص خود، عملی انجام ندهد.<sup>۲</sup> با مشخص شدن جایگاه اجرای قانون، یکسان‌نگری به همه افراد، بدون توجه به موقعیت و امتیازاتی که نسبت به دیگر افراد جامعه دارند، از مؤلفه‌های مهم تحقق حکومت قانون و تحقق بهتر حقوق شهروندی در جامعه و بین شهروندان است.

امام علی (ع) در طول زمامداری خود، همواره قانون‌گرا بود. یکسان‌نگری او به قانون، زبانزد همگان بود. امام قانون‌محوری را در قالب یکسان‌نگریستن به همگان، حتی به خویشاوندان و فرزندان خویش، بدون هرگونه رشوه‌دادن و پارتی‌بازی و باندبازی نشان داد و چنان‌که در مورد برادر خود، عقیل، که در شدت فقر و نداری و در وضعی که به تعبیر امام، کودکش «از گرسنگی، موهایشان ژولیده و رنگشان تیره شده، به نظر رنگ شده بودند»<sup>۳</sup> دست از قانون‌گرایی و عدالت‌محوری در عمل برنداشت و به عقیل که درخواست سهمی بیشتر از حق خود کرده بود، جز آهن گداخته و ترساندن او از آتش دوزخ، چیزی نداد و پاسخی نگفت. با دخترش نیز که زیوری از بیت‌المال در اختیار او دید، به مسامحه رفتار نکرده و تا روشن شدن بی‌گناهی او، دست از کار نکشید. به تعبیر ایشان، «اگر برداشت این مروارید از بیت‌المال درست بود، باید دست او را می‌بریدم» (طبری، ۱۳۶۲: ۲۶۹۸).

۱. ... يَرْتَضِعُونَ أَمَّا قَدْ فَطَمْتُ، وَيُخَيَّوْنَ بِدَعَةٍ قَدْ أَمِيتَتْ...؛ به عنوان مصداق علی (ع) در مقابل افرادی که کشتن عثمان را به امام (ع) نسبت می‌دادند و می‌خواستند با این بهانه سهم بیشتری از بیت‌المال را به آنها اختصاص دهد، بیان می‌کنند که «آنها می‌خواهند از پستان مادری شیر بدوشند که خشکیده؛ و بدعتی را زنده کنند که مرده است». همان، خطبه ۲۲، صص ۶۶-۶۷. این جمله کنایه از این است که اینها می‌خواهند دورانی را زنده کنند که قانون و ضابطه حاکم نبوده و سهم بیشتری را به اختصاص می‌دادند، اکنون ضابطه و قانون حاکم است و لذا آن بدعت دیگر مرده است.

۲. باید از فرمانده و امام خود اطاعت نمایی: تو حق نداری نسبت به رعیت [شهروند] استبدادورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی: در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری. ... أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَتَاتَ فِي رَعِيَّتِهِ وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بَوَئِيقَهُ وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ... همان، نامه ۵، صص ۴۸۴-۴۸۵.

۳. وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُ غَبِيلاً وَقَدْ أُمْلِقَ حَتَّى اسْتَمَاجَنِي مِنْ بُرْكَمٍ صَاعاً، وَرَأَيْتُ صَبِيَّانَهُ شُعْتَ الشُّعُورِ، غُبَرَ الْأَلْوَانِ، مِنْ فَقْرِهِمْ، كَأَنَّمَا سَوَّدَتْ وَجُوهُهُمْ بِالْعِظْلَمِ، وَعَاوَدَنِي مُؤَكِّدًا. همان، خطبه ۲۲۴، صص ۴۶۰-۴۶۱.



۲- ضمانت‌های درون‌ساختاری: در حکومت و نظام سیاسی مبتنی بر تحقق حقوق شهروندی، اصولی حاکم است که حقوق اساسی و مستقیم شهروندان در سرنوشت خودشان به حساب می‌آید؛ ولی همان حقوق در روح کلی خود، نوعی تضمین شکل‌یافته ناشی از ساختار درونی حقوق قابل اجرا را داراست، تا باعث شود نخبگان سیاسی به انجام وظایف خود ملزم و شهروندان نیز برای بقا در اجتماعی مبتنی بر حقوق شهروندی، به سمت مشارکت‌جویی و متعهد تربیت شوند. براین اساس، در روح کلی حقوق مردم نوعی تضمین از این نوع را می‌توان رصد کرد؛ اما هفت حق وجود دارد که قابلیت تضمین بیشتری برای حفظ نظم و انسجام و توسعه حقوق شهروندی در جامعه دارد: ۱. حق مطالبه صداقت و شفافیت؛ ۲. حق نظارت همگانی شهروندان؛ ۳. اولویت‌دهی به آسیب‌پذیران اجتماعی؛ ۴. حق شکایت مردم از نخبگان سیاسی؛ ۵. حق سؤال و استیضاح مسئولان؛ ۶. حق انتقاد و بیان کاستی‌ها؛ ۷. اطاعت نکردن شهروندان از حاکم ظالم.<sup>۱</sup>

۳- بازدارندگی اخلاقی: بایدها و نبایدهای اخلاقی، مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و اجتماعی که دین و اجتماع مشخص می‌کند، باعث شده تا قواعد حقوقی رنگ اخلاقی به خود بگیرد و شهروند اخلاق‌گرا، با رعایت قوانین شهروندی، خود را در حال انجام عملی اخلاقی ببیند. برای اینکه دو طیف شهروندان و نخبگان سیاسی به حد اجرای آن برسند، مرحله اول پذیرفته شدن آن است. هرچه ارزش‌ها و هنجارها را شهروندان بیشتر بپذیرند، این نوع ضمانت اجرا بیشتر کارآیی خواهد داشت. البته اگر شهروندان به جایی برسند که رعایت حقوق یکدیگر و وظایف خود را نیز در قبال دولت از دید اخلاقی بنگرند، اخلاق شهروندی بازدارنده‌ای می‌شود که هر شهروند بدون اینکه کسی بخواهد به او امر و نهی کند و برایش قانون وضع کند، اخلاقاً خود را ملزم به اجرا می‌داند؛ مثلاً خود را اخلاقاً به ایستادن در مقابل چراغ قرمز در شب مکلف می‌داند و در مقام حاکم یا نخبه سیاسی، در مصرف بیت‌المال اسراف نمی‌کند.<sup>۲</sup> این نوع ترس از اسراف اگر باعث شود شخص خود را مسئولیت‌پذیر بداند، بهترین نوع تضمین اجرا محسوب می‌شود. درحقیقت، قبل از اینکه قانون‌شکن از ارتکاب جرم بازداشته شود، این ترس از گناه و هراس از شرمندگی، شهروند اخلاق‌گرا را به انجام ندادن عمل ضد اخلاقی متعهد می‌کند.

۱. نامه ۵۳ امام (ع) به مالک، از جمله بخش‌هایی است که به موارد مذکور پرداخته شده است.

۲. إِعْطَاءُ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ، وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَيُكْرِهُهُ فِي النَّاسِ وَيُهَيِّنُهُ عِنْدَ اللَّهِ، نهج البلاغه، خطبة ۱۲۶، صص ۲۴۰-۲۴۱.



## زمینه‌های تحقق و اجرای حقوق شهروندی

برای اینکه شهروندان در جامعه، به‌عنوان بستر شکل‌گیری حقوق شهروندی، به حقوق خود رسیده و به آرامش و آسایش دست یابند، باید زمینه‌هایی فراهم شود تا حقوق شهروندان عملی شود. نبود این زمینه‌ها مانع اجرای درست حقوق شهروندی مطابق سیره علوی است. ۱. آمادگی مجریان جامعه: مسئولان دولتی در مرحله اول باید ویژگی‌هایی اعتقادی و اخلاقی داشته باشند؛ زیرا حاکمی می‌تواند مردم را، چه کسانی که در اطراف او هستند و چه کسانی که دور از او هستند، متعهد بدارد که خود سرمشق باشد. امام به حاکمان سفارش می‌کند: «چنان باشید که برای مسلمانان، چه آنان که به شما نزدیک هستند و چه آنان که از شما دورند، بهترین پیشوا و سرمشق باشید» (کوفی اصفهانی، ۱۳۷۱: ۹۱).

در مرحله دوم، مجریان جامعه باید در اجرای حقوق قاطع باشند و اهل مسامحه و سازش‌کاری نباشند. همچنان که امام در روز اول خلافت، با قاطعیت اعلام کردند که «بیت‌المال تاراج‌شده را در هر جا که بیابم، به صاحبان آن بازمی‌گردانم؛ اگرچه با آن ازدواجی صورت گرفته یا کنیزی خریده شده باشد.»<sup>۱</sup> ایشان قاطعیت و شجاعت را دو ویژگی مهم برای مجریان دانسته و بدون آن، کوشش در این راه را بی‌ثمر می‌دانند؛ زیرا «شخص زبون و ترسو نمی‌تواند جلوی ستم را بگیرد و حق جز با کوشش و قاطعیت به‌دست نیاید...».

۲. آمادگی جامعه: علاوه بر ویژگی‌هایی که برای مسئولان جامعه ذکر شد، فضای جامعه نیز باید به‌گونه‌ای باشد که امکان اجرا و پرداختن به حقوق وجود داشته باشد. مشخص است که «در جامعه‌ای که آتش جنگ و خون‌ریزی در آن شعله‌ور است، امکان اجرای حقوق، به‌ویژه حقوق شهروندی که بستر جامعه است، وجود ندارد. به‌زعم امام‌علی (ع)، چاره‌جویی و درمان مرحله‌ای بعد از خاموشی جنگ و خون‌ریزی و به‌وجود آمدن امنیت و آرامش در جامعه است تا کار مسلمانان استوار گردد و فضا برای اجرای عدالت فراهم شود.»<sup>۲</sup>

۱. وَ اللَّهُ لَوِ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ، فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ! نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، پِشِین، خطبه ۱۵، صص ۵۸-۵۹.

۲. فَقَالُوا بَلْ نُدَاوِيهِ بِالْمُكَابَرَةِ فَأَبَوْا حَتَّى جَنَحَتِ الْحَرْبُ وَ رَكَدَتْ وَ وَقَدَتْ نِيرَانَهَا وَ حَمَشَتْ فَلَمَّا ضَرَسْتَنَا وَ إِيَّاهُمْ وَ وَضَعَتْ مَخَالِبَهَا فِينَا وَ فِيهِمْ أَجَابُوا عِنْدَ ذَلِكَ إِلَى الَّذِي دَعَوْنَاهُمْ إِلَيْهِ فَأَجَبْنَاهُمْ إِلَى مَا دَعَوْا وَ سَارَعْنَاهُمْ إِلَى مَا طَلَبُوا حَتَّى اسْتَبَانَ عَلَيْهِمُ الْحُجَّةُ وَ انْقَطَعَتْ مِنْهُمْ الْمَعْذِرَةُ فَمَنْ بِمَا عَلَى ذَلِكَ مِنْهُمْ فَهُوَ الَّذِي أَنْقَضَهُ اللَّهُ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ مَنْ لَجَّ وَ تَمَادَى فَهُوَ الرَّائِسُ الَّذِي رَأَى اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ وَ صَارَتْ دَائِرَةُ السُّوءِ عَلَى رَأْسِهِ. هَمَان، نامه ۵۸، صص ۵۹۶-۵۹۷.



## نتیجه‌گیری

شناخت مبانی و ابعاد حقوق شهروندی از منظر نظام علوی نیازمند درک صحیحی از مفاهیمی است که حدود نظام فکری و عملی امام‌علی(ع) را در ارتباط با پرداخت حقوق مردم روشن می‌سازد. آنچه مسلم است، حق‌الناس جایگاه ویژه‌ای در مکتب حقوقی اسلام و دیدگاه علوی به خود اختصاص داده است که بعد از ایمان به خدای متعال، آثار و عواقب آن در زندگی از همه عوامل بیشتر و پردامنه‌تر است. نخبگان سیاسی و حاکمان و همچنین شهروندان باید در رعایت حقوق شهروندان حساس باشند؛ زیرا حقوق شهروندی بخشی از حق‌الناس به حساب می‌آید.

جامعه انسانی ترکیبی از شهروندان و گروه‌ها و اشخاص مختلف را تشکیل می‌دهد تا به سبب ضرورت رفع حوائج خود، در قالب یک حکومت تجمع کرده‌اند. حال، نخبگان و حاکمان در ارتباط با این مقوله، علاوه بر مسامحه نکردن و برخورد عادلانه و در جهت رضای خدا، موظف می‌شوند تنها براساس معیار هویت انسانی و فارغ از هر نوع ملاکی از جمله نژاد، رنگ، مذهب، موقعیت و جایگاه اشخاص، همه شهروندان را از حقوق شهروندی برخوردار سازند؛ بدین سبب که همه انسان‌ها کرامت دارند و محلی برای رفتارهای غیرانسانی و تزییع حقوق شهروندان وجود ندارد. در این راستا، شهروندان از طرفی و حاکمان و نخبگان سیاسی از طرف دیگر، در قالب نظام سیاسی، در قبال همدیگر باید وظایف و اختیاراتی براساس قاعده حق و تکلیف عهده‌دار شوند. حقوق شهروندی در این قالب جا می‌گیرد.

در این مقاله، تلاش شد برای ارائه تعریف حقوق شهروندی از دیدگاه امام‌علی(ع) معادل امروزی بعضی اصطلاحات واکاوی شود. به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی، مناسب‌ترین معادل فارسی واژه «رعیت» در سیره امام‌علی(ع)، واژه «شهروند» باشد.

می‌توان نتیجه گرفت که حقوق شهروندی از منظر حضرت علی(ع)، «مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف در روابط فردی و اجتماعی شهروندان و به صورت متقابل بین شهروندان و نخبگان سیاسی در زمینه‌های مختلف در جامعه اسلامی است که در جهت سامان‌دادن به بهترزیستن و تعاملات شهروندان مسلمانان و غیرمسلمان، بدون هیچ‌گونه تبعیض بین آن‌ها در یک جامعه دینی و در مسیر رسیدن به آسایش، آرامش، وحدت و تکامل دنیوی و به تبع اخروی، با در نظر گرفتن شأن والای انسانی شهروندان، تدوین می‌شود».



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام  
جمعیت در اسات العالم الاسلامی

۷۰

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

## کتابنامه

قرآن کریم.

دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، قم: علامه.

امامی، محمدجعفر و محمدرضا آشتیانی (۱۳۷۷)، *نهج البلاغه*، چ ۱۰، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.

آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۰)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج).

افتخاری اصغر و مهدی اسدی (۱۳۹۲)، *کرامت انسانی در قرآن کریم و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن*، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، ص ۲۹ تا ۴۸.

البحرانی، ابن میثم (۱۴۱۲ق)، *شرح نهج البلاغه*، بیروت: دار احیاء لثراث اسلامی.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، *قضا و شهادت*، قم: تراث الشیخ الاعظم.

بحرانی، مرتضی (۱۳۹۱)، *بررسی یک مانع فلسفی گذار به دموکراسی در جهان اسلام*، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، ش ۴، ص ۱ تا ۱۵.

کوفی اصفهانی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی (۱۳۷۱)، *الغارات*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: ارشاد.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، *الصحاح تاج اللغة و الصحاح العربیه*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چ ۴، ج ۴، بیروت: دارالعلم للملایین.

جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹)، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸)، *ترمینولوژی علم حقوق تهران: کتابخانه گنج دانش*، ۱۳۶۸.

جمشیدیان، مجید (۱۳۸۳)، *در مسیر آشنایی با شهر، شهروند و شهروندی*، تهران: سازمان فرهنگی و هنری شهرداری (غیرمنتشره).

حقیقت، سیدصادق و سیدعلی میرموسوی (۱۳۸۱)، *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۹ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.

زارعی، بهادر و دیگران (۱۳۹۲)، «حقوق اقلیت ها از منظر اسناد بین المللی، اسلام و قانون اساسی ج.ا.ایران»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، ص ۴۹ تا ۷۰.

شیخ مفید، الارشاد، ج ۱.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۷، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

صدری افشار، غلامحسین (۱۳۸۲)، *فرهنگ معاصر فارسی*، چ ۳، ویرایش ۴، تهران: فرهنگ معاصر.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۲)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۲، ج ۶، تهران: اساطیر.

علی بابایی، غلامرضا و بهمن آقایی (۱۳۶۵)، *فرهنگ علوم سیاسی*، ج ۱، تهران: ویس.

قریشی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۲)، *مفردات نهج البلاغه*، چ ۲، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰)، *مقدمه علم حقوق*، تهران: میزان.



کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشار.  
محمدی، سیدکاظم و محمد دشتی (۱۳۶۹)، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، چ ۲، قم: امام علی (ع).  
محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه.  
رومی، جلال الدین، مثنوی معنوی، ج ۱، دفتر دوم.  
یثربی قمی، سیدعلی (۱۳۷۴)، مقدمه علم حقوق و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر  
نوید اسلام.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

فاطمی، سیدعلی (۱۳۹۳)، «مؤلفه های حقوق شهروندی از دیدگاه امام علی (ع)» فصلنامه پژوهشهای سیاسی  
جهان اسلام، س ۴، ش ۲، تابستان، ص ص ۷۲ - ۴۷.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام